

کتاب خوانی مشارکتی

سیده سوده شبیری

قسمت دوم

بچه‌ها نظرشان را اعلام می‌کنند. بعضی از آن‌ها محتوای کتابی را هم که با این علامت دیده بودند مطرح می‌کنند. لازم است گفت‌وگو را به نحوی مدیریت کنم که فرصت مشارکت برای همه وجود داشته باشد. بعضی از لوگوها بیشتر توجه بچه‌ها را برمی‌انگیزد. برای انتخاب کتاب در آینده، لازم است بچه‌ها با ناشر و نویسنده و تصویرگر و مترجم و قیمت و شمارگان آشنا شوند. البته لازم است یادم باشد با تقلا کردن، در دام «من باید همه چیز را به بچه‌ها یاد بدهم» نیفتم. قرار است کتاب خوانی مشارکتی، فعالیتی لذت‌بخش باشد.

صفحه «بسم...» و بعد از آن، شناسنامه کتاب قدم‌های بعدی ما هستند. به این فکر می‌کنم که چه چیزی در این صفحه پر از کلمه و عدد و حروف انگلیسی می‌تواند برای بچه‌ها درگیرکننده باشد. وقتی کتاب را جلوی بچه‌ها می‌گذارم تا آن را در دست بگیرند، برانداز کنند و ورق بزنند^۱، خودشان فرصت‌های تازه را نشانم می‌دهند.

ابراهیم که چند وقتی است به اعداد علاقه نشان می‌دهد، دستش را روی قیمت ۵۰۰۰ تومانی کتاب می‌گذارد: «خاله کتابش ۵ داره» می‌پرسم: «می‌دونی این ۵ مال چیه؟» رو به بقیه می‌کنم و می‌پرسم: «ابراهیم این پنج عدد را نشونم داد. شما فکر می‌کنید این مال چیه؟» بچه‌ها درباره همه چیز، از شماره صفحه گرفته تا شماره تلفن و قیمت کتاب و سال چاپ کتاب و ... نظر می‌دهند. فضای عمومی بچه‌ها را مزه مزه می‌کنم تا دریابم که آیا می‌توانم درباره سه تا صفر که جلوی عدد پنج گذاشته شده است هم سؤالی کنم. این مزه مزه کردن را هر لحظه لازم دارم چون باید یادم باشد با تقلا کردن، در دام «من باید همه چیز را به بچه‌ها یاد بدهم» نیفتم. قرار

اشاره

در قسمت اول خواندیم: قبل از ورود به جمع بچه‌ها، درباره فرصت‌های مشارکت از خودم سؤالاتی بپرسم:
- کودکان در انتخاب کتاب چه نقشی دارند؟
- در کجا کتاب بخوانیم؟
- چه زمانی کتاب بخوانیم؟
و
- در کتاب خوانی مشارکتی، چه فرصت‌هایی برای یادگیری نهفته است؟

به این سؤال که می‌رسم، انگار به دنیایی تازه پا گذاشته‌ام. می‌خواهم از این فرصت برای ساختن رابطه بچه‌ها با کتاب و دوستی با آن، یادگیری‌های تازه و دوستی با یکدیگر استفاده کنم. اگر بخواهم کتاب دوست بچه‌ها بشود، باید اول کتاب و بچه‌ها در فضایی مثبت به هم معرفی شوند. می‌خواهم بچه‌ها نسبت به نویسنده، تصویرگر، ناشر، قیمت، شمارگان، محتوا، جوایزی که کتاب دریافت کرده و همه آنچه لازم است یک بزرگسال برای انتخاب کتاب در نظر بگیرد، حس پیدا کنند. دلم می‌خواهد بچه‌ها از فرصت کتاب خوانی مشارکتی برای یادگیری چگونگی انتخاب کتاب هم بهره بگیرند. همه این روند را با طرح سؤال پیش می‌برم؛ سؤالاتی از شناسنامه کتاب و روی جلد آن.

ابتدا لوگوی انتشارات را به بچه‌ها نشان می‌دهم و می‌پرسم: «بچه‌ها این شکل برای کی آشناست؟ تا حالا این را دیده بودین؟»

**کتاب برایم
فرصت گفت‌وگو با
کودکان را فراهم
می‌کند. تلفیق
تجربه و بازی و
گفت‌وگو حداقل
کاری است که
برای کتاب خوانی
می‌توانم انجام
دهم**



است کتاب‌خوانی مشارکتی فعالیتی لذت‌بخش باشد.

در پایین صفحه درباره حقوق ناشر و نسخه‌برداری از کتاب در یک چارچوب جمله‌ای طولانی نوشته شده است. این می‌تواند فرصت خوبی برای پرسش از ارزش زحمت یک نفر و حقوق مربوط به آن باشد. حواسم هست که اگر همه این نکات را در یک نوبت کتاب‌خوانی بخوایم به خورد بچه‌ها بدهیم، هم حوصله‌شان سر می‌رود و هم برای مزاج کتاب‌خوان نوپایشان، زیاده‌روی است و ممکن است هضمش سخت شود. تازه از آن مهم‌تر این است که قصد و نیتی را که از مطرح کردن هر سؤال و موضوع دارم، یک بار با خودم مرور کنم. برای چه می‌خواهم این موضوع را از بچه‌ها بپرسم؟ اگر انگیزه بالا بردن دانش بچه‌ها در کار است، لازم است همین الان جلوی خودم را بگیرم. این نه در قصد و نیت من می‌گنجد و نه در روح مشارکت! اما مرور همه فرصت‌های کتاب‌خوانی مشارکتی با بچه‌ها، حتی اگر از آن‌ها استفاده هم نکنم، به‌عنوان امکان‌یابی حتماً برای تربیت مغز خودم مفید خواهد بود!

کتاب را با بچه‌ها شروع می‌کنم. گاهی از اولین کلمات کتاب شروع می‌کنیم: «کلاس نقاشی تمام شده بود اما سارا همچنان روی صندلی نشسته بود. کاغذ نقاشی‌اش هنوز سفید بود.»^۲ و گاهی از تصاویر کتاب.

بعضی از تصاویر پر از رنگ و حرف و سؤال‌اند. وقتی مدتی با بچه‌ها با این مدل کتاب‌خوانی می‌کنیم، دیگر شروع‌کننده بازی مشارکت من نیستم بلکه خود بچه‌ها هستند. «خاله، این ساعت که روی دیوار کشیده، چنده؟»

«این چیه روی سر این پسره؟» گاهی اوقات با چند سؤال و کنجکاوی بچه‌ها، همگی از موضوع کتاب بیرون می‌رویم و جهت حرکت را به رود مواج مشارکت می‌سپاریم.

این روند تا وقتی که همه همراه‌اند، فوق‌العاده است. من هم اصراری به تمام شدن یک کتاب ندارم. «مکث کردن» حین خواندن از آن تکنیک‌هایی است که فرصت نظر دادن و مشاهده کلمات و تصاویر را به کودکان می‌دهد و مشارکت را بالا می‌برد.^۳ حتی ممکن است روی همان صفحه اول کتاب بمانیم و در عوض، با مشارکت به دنیا‌های مختلفی سفر کنیم؛ از اعداد به رنگ‌ها و شکل‌ها و اقوام و رسوم ملل و اعضای خانواده و هر موضوع دیگری برویم. مسئله جایی ایجاد می‌شود که خواست همه گروه این نباشد. موضوع دغدغه بعضی از بچه‌ها خود کتاب است. مهم نیست کتاب شعر است یا علمی یا داستان. مهم این است که بعضی‌ها می‌خواهند از روی کتاب پیش برویم و سرعت بگیریم. درباره این فرصت چالش‌نمای مشارکت، پیش‌تر حرف زدیم. معمولاً گفت‌وگو و توافق مسئله را حل می‌کند.

یکی از مهم‌ترین کارهایی که به افزایش مشارکت کمک می‌کند، اتصال موضوع کتاب به تجربه واقعی زندگی بچه‌هاست. هر چه کودکان بزرگ‌تر می‌شوند، تمایلشان به داستان‌های «واقعی» بیشتر می‌شود.^۴ این تکنیک در کتاب‌خوانی مشارکتی با



بزرگسالان هم کارآمد است و به یادگیری بهتر هم منجر می‌شود. «دوست نداری صبح‌ها لباس بیوشی؟ چه خوب که هشت پا نیستی. اگر هشت پا بودی، هشت پا داشتی که باید توی شلوارت فرو می‌کردی! دوست نداری کفش بیوشی؟ چه خوب که کرم ابریشم نیستی...»^۵

«بچه‌ها! تا حالا شده کاری را اصلاً دوست نداشته باشید انجام بدید ولی مامان یا بابا بگن که لازمه اون کار را بکنید؟» «کی صبح‌ها سختشه موهاشو شونه کنه؟» «کسی هست که شب‌ها معمولاً سخت خوابش می‌بره؟»

با این سؤالات، سر درد دل بچه‌ها باز می‌شود. می‌خواهم در عین شنیدن هر کدام و درگیر شدنشان با داستان، قواعد مشارکت را هم در کنار یکدیگر یاد بگیریم. به دیگران هم فرصت حرف زدن بدهیم، وقتی کسی حرف می‌زند، فوری او را به باد نقد و سرزنش نگیریم، اظهار نظرهایی کنیم که مکمل موارد قبلی باشد نه صرفاً تکرار آن‌ها و ... ولی لازم است **یادم باشد با تقلا کردن، در دام «من باید همه چیز را به بچه‌ها یاد بدهم» نیفتم. قرار است کتاب‌خوانی مشارکتی فعالیت لذت‌بخش باشد.**

برای من تکرار آنچه به دنبالش هستیم، به بازبینی و پایش مسیری که واقعا طی می‌کنم، خیلی کمک می‌کند. گاهی نقش ترمز را ایفا می‌کند و متوقفم می‌کند و گاهی سرعت‌دهنده می‌شود و ما را با سرعت بیشتری در همان مسیر پیش می‌برد. «بچه‌ها، کسی هست که بخواد درباره سؤال من یک حرف خیلی مهم بزنه؟ حرفی که بقیه نزده باشن؟ بعضی‌ها برای هر سؤال و موضوع و تصویر و نوشته‌ای، حرفی برای گفتن دارند. این موضوع، بزرگ و کوچک هم ندارد و در واقع به تفاوت‌های شخصیتی افراد برمی‌گردد. لازم است حواسم باشد این روحیه بعضی از بچه‌ها، که اتفاقاً باعث گرم شدن کتاب‌خوانی مشارکتی می‌شود، فرصت مشارکت را از دیگران سلب نکند و از طرفی، سکوت عده‌ای دیگر به سرد شدن جو کتاب‌خوانی لطمه نزنند. ... ادامه دارد

* پی‌نوشت

۱. در پژوهش لورا ام. جاستیس و یوان کادراوک، یکی از تکنیک‌های بالا بردن مشارکت کودکان در کتاب‌خوانی، ایجاد فرصت دست‌کاری کتاب توسط کودکان مطرح شده است (استفاده از کتاب‌خوانی مشارکتی برای ارتقای سواد خواندن و نوشتن نوپا؛ مارس / آوریل ۲۰۰۲؛ مجله آموزش کودکان استثنایی).

۲. کتاب «نقطه»؛ پیتراچ. رینولدز، هدا کلاهدوز، کتاب‌های شکوفه وابسته به انتشارات امیرکبیر.

۳. Using shared storybook reading to promote emergent literacy, Laura M. Justice, Joan Kareravek, TEACHING Exceptional children, MARCH/APRIL ۲۰۰۲

۴. Using shared storybook reading to promote emergent literacy, Laura M. Justice, Joan Kareravek, TEACHING Exceptional children, MARCH/APRIL ۲۰۰۲

۵. کتاب «چه خوب که هشت پا نیستی»؛ جولی مارکز، شهلا انتظاریان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

